

هم‌پاتوقی‌های عزیز
سلم

هر ماهی که از راه می‌رسد می‌تواند برای هر کدام از ماه یادآور خاطرات و اتفاق‌های گوناگونی باشد. اما گاهی ماه و تاریخی از سال اتفاقی مشترک را به یاد همه ما می‌اندازد. حالا دی‌ماه همه ما را به یاد سردار قاسم سلیمانی می‌اندازد. او که با عشق به مردم ایران و با ایمان به پیروزی حق، در این روزها، به شهادت رسید. در این شماره از پاتوق، دل‌نوشته‌های دوستان نوجوان‌مان برای سردار سلیمانی را می‌خوانیم.

از انتشار مطالب و نظرات بدون اطلاعات کافی معذوریم. هم برای ما بنویسید...
راه‌های ارتباطی شما برای ارسال متن و داستان،
رایانه مجله است به نشانی:
nojavan@roshdmag.ir
و یا شماره پیامک ۹۵۹۶۹۰۸۰۳۰۰
برای نقد و نظر. لطفاً حتماً شهر و پدیده تحصیلی خودتان را

■ آن خبر شهادت مرد بزرگ همه را برآشفته. داستان این است که گویی همه مردم عزیزی را از دست داده بودند. عزیزی که نزدیک‌تر از همه عزیزانش بود. آن مرد با رفتنش ایران را به سوگ نشانده. تو نامت قاسم بود اما رسم عباس(ع) را در پیش گرفته بودی، رسم امام حسین(ع) را در پیش گرفته بودی.

دینا نعمتی از استان البرز

■ کوچه‌ها، محله‌ها، خیابان‌ها و گذرگاه‌ها همه بوی تو را به خود گرفته‌اند. به هر جا می‌نگرم تصویر پرشکوه تو آنجا. میان این شهر وسیع، سروری می‌کند. مرا ببخش اگر این کلمات در بیان و وصف تو عاجزند. به راستی کسی پیدا می‌شود انتقام خون پاک تو را از آن جنایتکاران بگیرد؟ تو تنها زخم ابدی هستی که هیچ مرهم و درمانی ندارد.

مانده ابراهیم‌زاده، از تهران

■ در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و خیابان‌های شهر سیر می‌کردم. تابلویی زیبا و بزرگ امتداد نگاه مرا به سمت خودش برد؛ تابلویی که برایم از رفتن و ادامه راه می‌گوید. برایم از سختی‌ها، مشکلات و سیم‌خاردهای پیچ‌درپیچ می‌گوید، برایم از خرمشهرهای پیش رو می‌گوید. به راستی سردار دل‌ها، عکس‌هایت و روح بلندت با من صحبت می‌کنند.

یوسف صالحی، از استان بوشهر

■ دلگیرم از تمام الفبای دنیا، به خصوص این شش حرف آمریکامدت‌هاست که دلگیرم. نمی‌دانم کجا بروم، به چه کسی باید ناله کنم، چه کسی طاق‌های بغض‌آلود و نفس‌گیر من را دارد؟ جز کاغذ! چه کسی طاق‌ت شنیدن لحظه‌لحظه زندگی حاج قاسم را دارد؟ اصلاً نمی‌تواند در ذهن بگنجد. مگر می‌توان وصف حال تو گفت سردار؟

سارا حسین‌زاده، از استان آذربایجان غربی

با عشق و احترام برای سردار شهید سلیمانی

■ دلم می‌سوزد،

نه برای حاج قاسم که او خدایی بود و نزد خدا رفت. دلم برای خودمان می‌سوزد که تازه با حاج قاسم آشنا شدیم. دلم می‌خواستم می‌توانستم هم‌رزم او باشم. در رکاب سردار سلیمانی در راه مستضعفان جهان بجنگم. در کنار مالک‌اشتر زمان درس علی‌شناسی بیاموزم و علی‌زمانه خویش را بشناسم که مبادا تاریخ تکرار شود و علی تنها بماند.

ابوالفضل فروغی‌نیا، از سیستان و بلوچستان

■ جمله «منم یک حاج قاسم دیگر» معنای

بسیاری می‌تواند داشته باشد اما با شنیدن این جمله فقط یک چیز خیلی سریع به ذهن تمام مردم ایران نفوذ می‌کند و آن هم ادامه دادن راه حاج قاسم سلیمانی است.

سینا پاکباز، از استان گیلان

■ دلم مثل هوای زمستان گرفته و غم‌انگیز است.

دلم این روزها عجیب بهانه می‌گیرد. امروز دل‌تنگی‌هایم تفاوت عجیبی با روزهای دیگر داشت. امروز هزاربار برای مملکت‌م بغض کردم و نفس کم آوردم. حاج قاسم تو فرمانده قلب ملتی بودی و ما بیش از دیدن هر وکیل و وزیری تو را دیدیم و از دیدنت خوش‌حال شدیم. ممنون که اینقدر بزرگ بودی که دل‌مان به بودنت قرص بود.

زهرا احتشام، از استان کردستان

■ می‌دانم که صدایم را می‌شنوی و یقین دارم پاسخ می‌دهی. با تو هستم ای شجاع‌ترین و بهترین. با رفتنت چه قیامتی به پا کردی. چه در قلب‌ها و چه در افکار و چه در هر جای این جهان هستی. از صمیم قلبم افتخار می‌کنم به تو که به یک تفکر تبدیل شده‌ای، به تفکری که دشمنان را خوار و دوستان را امیدوارتر در راه مبارزه و مقاومت کرده است.

امیرمحمد قسورین جهرمی، از استان هرمزگان

■ بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم کار خدا

چقدر سخت است. می‌ماند بین دوراهی انگار، امان از دست این بنده‌هایش! بنده‌هایی مثل من، بنده‌هایی مثل تو. آخر، دل طرف چه کسی را این وسط بگیرد؟ البته که طرف تو را گرفت و سر من بی‌کلاه ماند... اما همان

خوب شد که تو دل خدا را بردی. باورت می‌شود که باورم نشده رفته‌ای؟ هنوز منتظر عکس تازه‌ات هستم. مدام به خودم فکر می‌کنم. حواسم اصلاً به تو نیست؛ یعنی نبود! حواسم نبود به حسرت‌هایت، شرمندگی‌ها و دل‌تنگی‌هایت... می‌دانی؟ کار خدا سخت نیست. بین دوراهی هم هیچ وقت نمی‌ماند. اما هنوز، امان از دست بنده‌هایش...

پارمیدا اکرم، از استان قزوین

■ به صورتش که نگاه می‌کردی احساس خیلی خوبی داشتی. انگار عضوی از خانواده‌ات بود. به راحتی می‌شد قلبش را در چهره‌اش ببینی و به او اعتماد کنی. از آن آدم‌هایی بود که دوست داشتنی‌تر از او را با لبخندهای زیبایش ببینی. با دیدنش انرژی خاصی می‌گرفتم. وقتی متوجه شدم چقدر نورانیست که دیگر در بین ما نبود.

دیانا مستقیمی، از استان فارس

■ تو نمی‌آیی و این غمگین‌ترین شعر جهان است. سردار قاسم سلیمانی شجاع‌ترین در میدان نبرد، بلیغ‌ترین در بلاغت و زیبایی سخن، دلسوزترین در سختی‌ها، کمک‌کننده‌ترین در بحران‌ها.

دختران و پسران این خاک پاک هر چه را که فرمان و تعلیم داده‌ای بدون تردید می‌پذیرند و پیرو اهداف و آرمان‌های تو هستند.

فاطمه حسنی‌عبد از استان زنجان

■ مگر می‌شود مانند تو دوباره خلق شود و چنین حماسه‌هایی بیافریند؟ اما این را بدان که از هر قطره‌ی خونت که بر زمین ریخته است، از هر قطره‌ی اشکت که در طول حیات بر زمین چکیده است، حاج قاسمی طلوع خواهد کرد. نه مانند تو اما ادامه‌دهنده‌ی راه تو.

محدثه عمرانی‌نیا، از استان خراسان جنوبی

سلیمانی عزیز

مؤلف: عالمه طهماسبی، لیلیا موسوی

و مهدی قربانی

سال چاپ: ۱۳۹۹

ناشر: حماسه یاران

بیشتر بخوانیم

کتاب حاضر خاطرات یاران، نزدیکان و دوستان شهید سلیمانی است درباره‌ی او و روزهای با هم بودنشان. خاطرات به صورت بسیار کوتاه و در نهایت در یک صفحه تنظیم شده‌اند. ساده و روان هستند و منبع نقل هر کدام نیز در انتهای خاطره ذکر شده است.

